

میزگرد کارگری یا میز "سه گوشه"

هدایت احمدی

سرانجام نشریه ای - نقد نو- همت کرد و راجع به طبقه کارگر و مشکلات مبتلا به آن، میز گردی برگزار کرد. با خواندن این میزگرد، بعنوان یک کارگر درد آشنا، نکات زیر به نظرم رسید که شاید مفید افتد:

۱- تولید از جمله بحث رونق تولید داخلی و نجات تولید داخلی، باید پایه و اساس هر میز گرد کارگری باشد: اعضای شرکت کننده در میز گرد فوق مدام از کارگران، تشکل های کارگری، استقلال تشکل های کارگری صحبت به میان آورده اند ولی دریغ از صحبت از تولید که پایه و اساس هر اقتصاد سالم در ایران می باشد. قبل از هر چیز باید تولیدی باشد تا شغلی برای کسی به وجود آید، نابودی تولید یعنی نابودی کار و شغل، در شرایط نبود تولید تشکل از جمله "تشکل مستقل کارگری" چه مفهومی می تواند داشته باشد؟

- باید تولید مرعی باشد تا کارگری بتواند در يك مرغداری کار کند، و مسلماً ادامه کار مرغداری بستگی به این دارد که هزینه و در آمد مرغداری با هم بخواند و گرنه تعطیلی مرغداری همان و بیکار شدن کارگران آن همان. یا وقتی مرغداری می تواند ادامه کار بدهد که دولت فخریه و بخش خصوصی عظیم الشان مرغ از خارج وارد نکند و یا دولت و مجلس با تعرفه صفر- یا نزدیک به صفر- مرغ وارد نکند.

برای اینکه کشاورزان ما بتوانند چغندر قند بکارند، و بعد از برداشت آن را تحویل کارخانه قند بدهند، و کارگران کارخانه قند آن را تبدیل به شکر و قند کنند، دولت، مجلس و بخش خصوصی^۱ نباید نسبت به واردات بی رویه^۲ (واردات جایگزین تولید داخل) شکر اقدام کنند. مسلماً واردات بی رویه شکر - که هم اکنون دارد صورت می گیرد- باعث نابودی شغل چغندر کاری و شغل کارگری کارخانه قند می شود.

آیا واردات افسار گسیخته مرکبات در چند سال اخیر به ویژه در دو سال دولت احمدی نژاد که زیر پوشش **ارزانی میوه و تره بار و قیمت پائین میوه برای مصرف کنندگان** صورت می گیرد، دیگر کاری و شغلی برای کشاورزان و تولید کنندگان مرکبات باقی گذارده؟

سوال از اعضای تشکل دهنده میز گرد: به فرض قبول استدلال فوق- که به نظرم مورد تأیید همه باید باشد- چرا در تمام صفحات میز گرد، کوچک ترین اشاره ای به تولید و نابودی تولید نمی شود؟ آیا واردات ۴۵ میلیارد دلاری رسمی و قاچاق حداقل ۲۰ میلیارد دلاری که باعث نابودی تولیدات داخلی که بالطبع باعث بیکاری ۵ تا ۶ میلیون نفری عظیم کارگران و کشاورزان و جوانان این مملکت شده است برای شرکت کنندگان در میز گرد اهمیتی ندارد؟ آیا خصوصی سازی غارتگرانه و بلعیدن تعداد زیادی از کارخانه ها و معادن و بنگاه های تولیدی سود ده توسط نورچشمی ها و باند های مافیایی و از همه مهم تر تعطیلی آنها و بیکار شده کارگران و نیروی کار آنها برای مدافعان طبقه کارگر ناراحت کننده نیست که کوچکترین اشاره به آن نمی شود؟ جالب است حتی خانم همایونی کمتر از کلمه خصوصی سازی که يك

۱- تاکید بر بخش خصوصی به این دلیل است که به نظرم عوامل بخش خصوصی در دولت نفوذ بالا و تعیین کننده و نیز در اقتصاد کشور نقش تعیین کننده دارند - نه بخش خصوصی تولید کننده و غیر دلال- و عمده مشکلات ما مربوط به بخش خصوصی دلال و واسطه است.

۲- در صورت تولید داخلی کافی نباید وارداتی در يك نوع کالا داشته باشیم. مسلماً نا کافی بودن تولید داخلی، ما به التفاوت مصرف و تولید داخلی باید وارد شود، واردات بی رویه یعنی ورود يك کالایی که به اندازه کافی در داخل تولید می شود و یا وارداتی که باعث ضربه به تولید داخل می شود.

مفهوم جا افتاده ای در فرهنگ نئولیبرالیسم است نام می برد و ترجیح می دهد فقط از "تغییر ساختار" کارخانه الکتریک ایران- رشت اسم ببرد. بهر حال اشاره ای دقیق به سیاست خصوصی سازی که يك سیاست داخلی و جهانی است نمی کند.

۱- استعمار، امپریالیسم، نئولیبرالیسم، بانگ جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، جنگ های امپریالیستی در منطقه که خطر آن ایران را هم تهدید می کند و زحمتکشان ایران - کارگران و کشاورزان - بیشترین ضرر را از قبل آن باید تحمل کند و..... حتی در حد اشاره هم در این میزگرد مطرح نیست.

مفاهیمی مانند استعمار، نئولیبرالیسم، سازمان تجارت جهانی، امپریالیسم از جمله امپریالیسم امریکا و..... وجود خارجی ندارد و به قول هگل این مفاهیم تنها در ذهن ما ایرانی از جمله من نگارنده وجود دارد.

در همین میزگرد، آقای شریف به درستی صحبت از قتل ۱۰۰ محیط بان طی چند سال اخیر می کند (صفحه ۹، ستون دوم). آیا این نتیجه سیاست های نئولیبرالیستی و تسلط بخش خصوصی که يك شبهه ره صد ساله را طی کرده است نیست؟ عمده ترین و کلیدی ترین سیاستی که در سال های اخیر اتفاق افتاده همان سیاست تسلط بلامناع بخش خصوصی نیست؟ آیا مسبب قتل ۱۰۰ محیط بان توطئه مشترک بخش خصوصی - که در سال های اخیر قدرت بلامناع پیدا کرده است- و بخش خصوصی نفوذی در دم و دستگاه دولتی نیست؟ بهتر بود دو کلمه ای نیز راجع به استعمار و سازمان تجارت جهانی و... که معتقدند بخش خصوصی غارتگر و جنایتکار (باز هم تاکید می کنم منظورم بخش خصوصی تولید کننده و ملی نیست) باید ارباب مطلق جهان، از جمله ارباب مطلق جمهوری اسلامی و ارباب کارگران، و کشاورزان، نیروی کار و زحمتکشان ایران بشوند.

نابود کنندگان جنگل های ایران همان همدستان طبقه غارتگر امریکایی نیستند؟ که هم اکنون دارند در عراق قتل و غارت می کنند، از هیچ بنی بشری ترس و وا همه ندارند و توطئه حمله به ایران را می چینند با همدستی عوامل داخلی ۱۰۰ محیط بان شریف و زحمتکش را به قتل می رسانند، آب از آب تکان نمی خورد، این همان سیاست نئولیبرالی دیکته شده از طرف قدر بزرگ جهان نیست؟ باند های مافیایی نابود کنندگان جنگل های ایران همان باند ها مافیایی مانند "آل کاپون" در امریکا نیستند؟

بهتر بود شرکت کنندگان در میز گرد کلمه ای از مسایل ریشه ای کارگران - عنوان بند ۲- که به نظر آنها احتمالاً مربوط به کارگران و زحمتکشان ایران نیست نیز صحبتی به میان می آوردند. امیدوارم آگاهانه نباشد.

۳- خود بزرگ بینی، از مشخصه های برخی میزگردهاست: ظاهراً در کل ایران تنها "کمته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری"، "کمته ی پی گیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری"، "اتحاد کمته های کارگری"، و..... موجودیت دارند و لاغیر. به نظر من در طول این میزگرد عمدتاً يك خط مورد نظر بیشتر شرکت کنندگان پیش برده شده است. در صفحه ۸، آقای خباز بحث خارج شدن کارگاه های زیر ۵ نفر از شمولیت قانون کار را مطرح کرده است لازم است. در این مورد نکاتی را بگویم:

۱- اولاً خارج شدن کارگاه های زیر ۵ کارگر از شمولیت قانون کار مربوط به مجلس پنجم است نه مجلس ششم، ثانیاً بهتر بود و بهتر است به خط تصویب کنندگان آن که رهبران بازار و اتاق بازرگانی بودند اشاره می شد. ثالثاً، می توان هر اختلافی با خانه کارگر داشت و به عملکرد رهبران و حتی موجودیت آن انتقادات اساسی هم داشت، اما این اختلاف و انتقاد هرگز نباید باعث شود تا ما جنبه های مثبت یک نهاد را، حتی در یک مقطع نبینیم و یا انکار کنیم. به همین دلیل بهتر بود به تشکیلات خانه کارگر که نقش مهمی در مبارزه با خط فوق داشته و نیروی زیادی جهت مبارزه با آن صرف کرده اشاره می شد (مراجعه به کتاب قانون

کار و کارگران، نوشته علی رضا محبوب نشان خواهد داد که آنها چه مبارزه جانانه ای در این رابطه با خط افاق بازرگانی به رهبری خاموشی سلطان موروئی افاق بازرگانی کردند) خانه کارگر هم در تصویب قانون کار و هم در دفاع بعدی از آن در طی ۱۷ تا ۱۸ سال از جمله مبارزه با تغییر قانون کار- اصلاحیه اول و دوم- در طی ۲ سال اخیر نقش بر جسته و شاید منحصر به فردی داشته است.

خانه کارگر یکی از تشکلاتی است که در بحث دستمزد و افزایش حداقل دستمزد سالیانه با توجه به تورم، قرارداد های موقت، امنیت شغلی، مخالفت با خارج شدن کارگاه های زیر ۱۰ کارگر و مخالفت با ماده ۱۹۱ قانون کار، مخالفت با لغو ماده ۲۷ قانون کار تحت عنوان اصلاحیه های قانون کار در مجلس هفتم و تبدیل آن به ماده ۳۳ قانون کارشاهنشاهی، لغو مصوبه مجلس پنجم در مورد کارگاه های زیر ۵ نفر از شمولیت قانون کار، مخالفت با پیشنهاد سن باز نشستگی در ۶۵ سالگی، تظاهرات اول ماه مه از جمله تظاهرات ۵۰ هزار نفری اول ماه مه در سال ۸۵، رهبری تعداد زیادی از اعتراض ها و تظاهرات کارگری از جمله در مورد عقب افتادگی حقوق کارگران، اعتراض به وضع بحرانی کارخانه ها و تعطیلی کارخانه ها، اعتراض و مبارزه با واردات بی رویه و قاچاق کالا و ارز، مبارزه با ورود کالا با تعرفه صفر و یا نزدیک به صفر، مبارزه با خصوصی سازی در ۱۷ تا ۱۸ سال گذشته و غارت بیت المال و بر خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی و... چه در سطح استان تهران و چه در سطح استان های دیگر و شهرستان ها نقش عمده در مبارزه کارگران داشته است که اعضای میز گرد فوق از جمله آقایان خباز، وطن خواه، و خانم همایونی به آن اشاره ای نکردند.

مساوی دانستن اصلاح طلبان - از جمله خانه کارگر و حزب اسلامی کار- با محافظه کاران که بهتر بود از مفهوم راست استفاده می شد، و نیز حتی نام نبردن از افاق بازرگانی، در حقیقت طرفداری و دفاع و در خدمت راست های سنتی و حجره ای (به قول محبوب) بودن است، و نیز حمله به کمالی و مساوی دانستن کمالی و جهرمی در حقیقت دفاع از جهرمی است، چه بخواهید و چه نخواهید.

۱- آقای خباز در قسمت دوم صحبت ها خود با نام بردن از تشکل های به وجود آمده، عدم موفقیت آنها را ناشی از موانع موجود می داند، به نظر میرسد علاوه بر موانعی که منظور نظر آقای خباز است، موانع بند ۱ و ۲ نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. یعنی عدم توجه به تولید داخل و عوامل خارجی و عدم توجه به رابطه تنگاتنگ بین آنها.

راه توده ۱۲۸ ۰۹,۰۴,۲۰۰۷